

تاریخ عقاید اقتصادی

○ استاد مربوطه: دکتر مولایی

○ منابع:

○ ۱. کتاب تاریخ عقاید اقتصادی دکتر فریدون تفضلی

○ ۲. مطالعات تطبیقی اندیشه های اقتصادی امام علی (ع) دکتر محمد مولایی

فصل اول

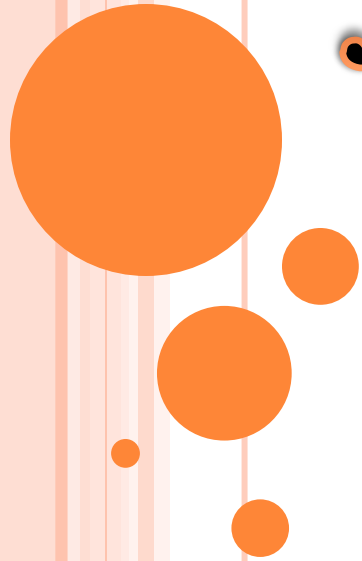
علوم اقتصادی
و تاریخ عقاید اقتصادی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ



○ تعریف علم اقتصاد

- **توجه:** تدوین مبانی علم اقتصاد به سال ۱۷۷۶ میلادی زمانی که اسمیت کتاب ثروت ملل خود را انتشار کرد؛ بر می گردد.
- **ارسطو:** اقتصاد تدبیر و مدیریت منزل است
- **اسمیت:** اقتصاد علم ثروت است
- **ریکاردو:** اقتصاد توزیع ثروت است
- **میل:** اقتصاد بررسی ماهیت ثروت از طریق قوانین تولید و توزیع
- **مارشال:** هدف اقتصاد رفاه انسان است و ثروت وسیله آن است
- **پیگو:** موضوع علم اقتصاد مبنی بر پیدایش پول و تأثیر آن بر فعالیت اقتصادی است
- **رابینز:** علم اقتصاد را به عنوان علم تخصیص بهینه منابع کمیاب تولید معرفی می کند.

ساموئلسون: علم اقتصاد عبارت است از بررسی روشهایی که بشر به وسیله پول یا بدون آن ؛ برای تخصیص منابع کمیاب به منظور تولید کالاها در طی زمان و همچنین برای توزیع آنها بین افراد در جامعه به منظور مصرف در زمان حال و آینده انتخاب میکند

○ اهمیت بررسی تاریخ عقاید اقتصادی

○ ۱. در نتیجه مطالعه تاریخ عقاید اقتصادی با تحول و تکامل نظریه های اقتصادی از طریق تاریخ آشنا می شویم و آن عقاید را در گذشته و حال با هم مقایسه می کنیم .

○ ۲. هر کدام از اندیشه های اقتصادی منعکس کننده شرایط زمانی و مکانی خاصی است و تاریخ عقاید اقتصادی به فهم این تئوری ها و مسائل ناشی از آنها کمک می کنند.

○ ۳. با بیوگرافی اقتصاددانان آشنا شده و مطالعه می کنیم که تحت چه شرایطی آن را به عنوان نقطه عطف در تاریخ در نظر بگیریم.

دامنه ی علوم اقتصادی:

○ نظام اقتصادی در قلمرو نظام اجتماعی قرار دارد.

○ **نکته اول:** از آنجایی که تعداد متغیرها در اقتصاد بسیار زیاد است؛ لذا تعریف اقتصاد؛ اختیاری است. پس قابلیت علمی بودن هر تعریف صرفاً بستگی به نحوه ی تعریف آن ندارد بلکه به روشی بستگی دارد که برای توجیه علمی آن به کار می رود

○ **نکته دوم:** چون تعداد متغیرها زیاد است لذا اقتصاددانان ناگزیرند که بعضی از متغیرها را ثابت در نظر بگیرند تا بتوانند فرضیه های خود مطرح کنند.



○ روش بررسی تاریخ عقاید اقتصادی

○ سه روش وجود دارد:

○ ۱. روش تاریخی ۲. روش موضوعی ۳. روش مکتبی

○ در روش تاریخی عقاید اقتصادی بر اساس اولویت های تاریخی هر نظریه بررسی می شود مزیت آن این است که یک تداوم تاریخی است و در آن یک واقعه به واقعه دیگر بستگی دارد.

○ در روش موضوعی تحولات نظریه ها بر اساس انتخاب موضوعات مورد علاقه اقتصاددانان بررسی می شود.

○ در روش مکتبی ؛ مکتبی اقتصادی با توجه به اولویت تاریخ هر مکتب بررسی می شود و سپس این عقاید را با نظریه های مکاتب دیگر مقایسه می کنند . بر اساس این روش هر مکتب اقتصادی با توجه به ایدئولوژی زمان خودش به وجود می آید و هر مکتب دارای جهان بینی است.

○ شومپیتر: روش تاریخی
مارک بلاف: روش تاریخی و موضوعی
دکتر تفضلی: روش مکاتبی

○ دکتر محمد مولایی در کتاب مطالعه تطبیقی اندیشه های اقتصادی امام علی (ع) ؛
خود از روش موضوعی استفاده کرده اند.

○ روش شناسی علم اقتصاد:

○ از قدیم الایام اقتصاد را با سه روش و نگرش مورد توجه بود

○ ۱. اقتصاد به عنوان درس اخلاق

○ ۲. اقتصاد به عنوان سیاست مالی و دولتی

○ ۳. اقتصاد به عنوان علم

○ توجه: اقتصاد از سال ۱۷۷۶ به بعد به عنوان علم شناخته شده است که همزمان
با انتشار کتاب ثروت ملل آدام اسمیت بوده است

○ علم اقتصاد را در دو بعد مطالعه می کنند:

○ ۱. اقتصاد اثباتی: آنچه وجود دارد و به صورت عینی قابل مشاهده و اثبات می باشد (مثل نظریه اقتصادی)

○ ۲. اقتصاد دستوری: درباره آنچه که باید به وجود آید صحبت می کند (مثل سیاست ها و قوانین دولتی)

○ اقتصاد دستوری است یا اثباتی؟

○ فریدمن (مکتب شیکاگو) معتقد است که اقتصاد باید اثباتی باشد زیرا علم اقتصاد باید در برابر احساس روانی و هنجاری بی طرف باشد و اقتصاد دستوری روش بررسی واحدی ندارد و تحت تأثیر شرایط مختلف روانی و تفاوت های شخصی است اما کینز اعتقاد دارد که علم اقتصاد شامل اثباتی و دستوری است و در جریان عملکرد اقتصاد اثباتی اگر دچار مشکل شویم برای رفع آن باید از اقتصاد دستوری استفاده کرد.



علم اقتصاد به صورت یک علم منطقی و تجربی

○ در تاریخ عقاید اقتصادی؛ مقدمات علمی شدن اقتصاد در دوران طبیعیون در قرن ۱۸ و در کشور فرانسه به وجود آمد و فرانسوا کنه معتقد بود برای آنکه اقتصاد به صورت یک علم درآید باید از سیاست جدا شود و از استدلال کل به جز استفاده شود، اما در قرن ۱۹ فریدریش لیست (مکتب تاریخی) معتقد بود که قوانین اقتصادی باید با توجه به شرایط زمانی و مکانی خاص مطرح شود و از روش جزء به کل استفاده شود و در انتها اسکار لانگه در کتاب خود (دامنه و روش علم اقتصاد) تأکید کرد که علم اقتصاد یک علم منطقی و تجربی است.



انواع مکاتب های اقتصادی

سوداگران	۱۷ و ۱۸ میلادی
طبیعیون	۱۷ و ۱۸
کلاسیک	۱۸
مکتب تاریخی	۱۹ در آلمان
مارکسیسم	۱۹
نئوکلاسیک	۱۹
کینزی	۲۰ در اروپا
پولی	۲۰ در آمریکا
کلاسیک جدید	۲۰ و ۲۱
کینزین های جدید	۲۰ و ۲۱

۱. دوران یونان قدیم (سال ۳۹۸ قبل از میلاد)

۲. دوران یونان جدید (۴۷۶ میلادی؛ که امپراطوری روم غربی سقوط کرد و قرون وسطی آغاز شد)

۳. دوران قرون وسطی (۴۷۶-۱۵۰۰)

۴. دوران جدید (۱۵۰۰ میلادی به بعد)



فصل دوم

اقتصاد در جهان
باستان



○ اقتصاد یونان

○ تمدن غرب در نتیجه تمدن روم قدیم و یونان قدیم است. تمدن یونان قدیم را به عنوان مادر تمدن غرب می دانند. در یونان قدیم در زمان ارسطو علوم نظری و عملی شناخته شد و تمدن غربی از دانشهای یونانی الهام گرفت. پدر تمدن غرب روم غربی است در روم قدیم هنر معماری و مهندسی دارای پیشرفت بود. فن تاریخ نویسی برای اولین بار در روم غربی به وجود آمد و اقتصاد آن هم کشاورزی بود. ایدئولوژی اقتصادی حاکم بر آن زمان؛ برده داری بود.

○ ۱. افلاطون (۴۲۸-۳۴۸ قبل از میلاد)

○ ۱. کنترل جمعیت ۲. تقسیم کار ۳. مخالفت با ارث

○ انواع حکومت در یونان: ۱. الیگارشی (اسپارت) ۲. دموکراسی (آتن)

معروف ترین کتاب وی جمهوری بود که در آن مدینه فاضله را مطرح کرد

○ انواع حکومت از دیدگاه افلاطون:

○ ۱. دموکراسی (حکومت هرج و مرج)

○ ۲. الیگارشی (حرص ورزی ثروتمندان برای ثروت)

○ ۳. حکومت استبدادی مطلق (مدینه ترس)

حکومتی که افلاطون به آن اعتقاد داشت تیموکراسی یعنی حکومت استبداد فیلسوفانه بود.

○ طبقات جامعه از دیدگاه افلاطون:

○ ۱. حاکمان سرشت شان از طلا است

○ ۲. پاسداران سرشت شان از نقره است

○ ۳. مردم سرشت شان از برنز است.

۲. ارسطو (۳۸۵-۳۲۲ قبل از میلاد)

○ ارسطو شاگرد افلاطون بوده و لقب آن معلم اول بوده است زیرا اولین معلمی بود که با اسلوب صحیح و روش منطقی شروع به تدریس کرد. کار مهم ارسطو طبقه بندی علوم بود که علوم بشری را به دو دسته تقسیم کرد؛

○ ۱. حکمت نظری

○ ۲. حکمت عملی

○ حکمت نظری شامل سه قسمت است (۱. علوم طبیعی؛ ریاضیات و فیزیک ۲. فنون و هنر ۳. متافیزیک)

○ حکمت عملی شامل دو قسمت است (۱. سیاست ۲. اخلاق)

○ دوران زندگی ارسطو:

○ ۱. دوره اول: دنباله رو افلاطون



۲. دوره دوم: نقد عقاید افلاطون

○ ۳. دوره سوم: تدریس در لیسه (نام مدرسه ارسطو)

○ (نام مدرسه افلاطون آکادمیک بود)

○ کتابهای وی

○ ۱. سیاست ۲. اخلاق نیکو ماخوس

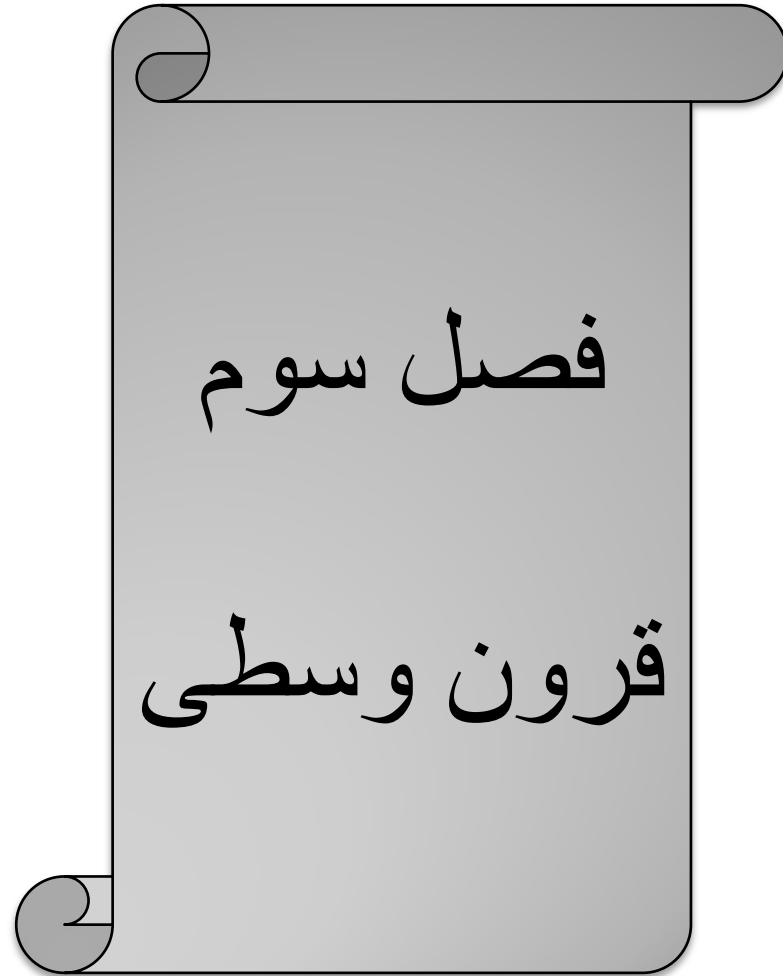
○ عقاید اقتصادی ارسطو در کتاب سیاست وی وجود دارد

○ **تعریف اقتصاد:** ارسطو معتقد بود که علم اقتصاد؛ تدبیر منزل است و با فن مال اندوزی

متفاوت است. ارسطو مخالف با ربا خواری بود و معتقد بود که پول نازا است. بنابراین پول قرض دادن و مازاد آن را گرفتن چیز درستی نبود.

○ ارزش هر کالا به ۲ عامل بستگی دارد: ۱. هزینه کار ۲. مطلوبیت

○ انواع ارزش: ۱. ارزش استفاده یا استعمال (برای استفاده شخصی)



دوران قرون وسطی (۱۴۵۳-۴۷۶)

مقدمه:

تمدن غرب در نتیجه تمدن روم قدیم و یونان قدیم است. تمدن یونان قدیم را به عنوان مادر تمدن غرب می دانند. در یونان قدیم در زمان ارسطو علوم نظری و عملی شناخته شد و تمدن غربی از دانشهای یونانی الهام گرفت. پدر تمدن غرب روم غربی است در روم قدیم هنر معماری و مهندسی دارای پیشرفت بود. فن تاریخ نویسی برای اولین بار در روم غربی به وجود آمد و اقتصاد آنها کشاورزی بود. امپراطوری روم غرب در سال ۴۷۶ سقوط کرد و نظام برده داری از بین رفت. اما روم شرقی باقی ماند که شامل مصر، سوریه، یونان، آسیای صغیر و قسطنطنیه مرکز آن بود. امپراطوری روم شرقی به نام بیزانس معروف بود. روم شرقی در سال ۱۴۵۳ میلادی سقوط کرد و پس از آن نهضت رنسانس در اروپا شکل گرفت و تا قرن ۱۷ ادامه داشت. بعد از رنسانس در قرن ۱۸ انقلاب صنعتی شکل گرفت.



نظام اجتماعی و اقتصادی قرون وسطی

۱. شیوه زندگی: در قرون وسطی اقتصاد در اروپا بر مبنای فئودالیسم استوار بود و جامعه به دو طبقه ی زمینداران اشراف و کشاورزان وابسته به زمین (سروها) تقسیم شد.
۲. تفکرات اسکولاستیک: در این دوران مکتب اسکولاستیک رواج داشت که مرتبط با تفکرات کلیسای کاتولیک بود. روش بررسی اقتصاد در این دوره روش مذهبی بود و معتقد بودند که ایمان بر عقل مقدم است.

عقاید اقتصادی قرون وسطی

۱. بزرگترین فیلسوف قرون وسطی سنت توماس آکویناس که یک روحانی کاتولیک بود. وی شاگرد آلبرت بزرگ بود که آلبرت اهل المان بود و مورج فلسفه ارسطو در آن زمان بود. آکویناس حکمت ارسطویی را از آلبرت یاد گرفت و آن را با تفکرات ارسطو ترکیب کرد و مکتب اسکولاستیک را ایجاد کرد. آکویناس دو کتاب داشت:
 ۱. ذات و موجودیت انسان
 ۲. سیستم خدا شناسی که در این کتاب مباحث اقتصادی وجود دارد.

○ نظریات اقتصادی آکواینس:

- آکویناس، مؤسس مکتب اسکولاستیک است. وی معتقد بود که ایمان بر عقل مقدم است. یعنی برای بدست آوردن ایمان فهم لازم نیست، بلکه ابتدا باید ایمان آورد و سپس به دنبال فهم مسائل بود، زیرا تا ایمان نباشد، فهم حاصل نمی‌گردد و هر تفکر و عملی در این وضعیت بیهوده است.
- دکارت معتقد است «می‌اندیشم، پس هستم». وی معتقد است عقل برای فهم مسائل بر هر چیزی مقدم است.



○ آکویناس در کتاب سیستم خدا شناسی، مباحث اقتصادی را مطرح می کند:

○ ۱. وی انباشت ثروت را مخالف با موازین دین مسیح می داند.

○ ۲. ربا و ربا خواری را حرام می داند.

○ وی معتقد بود که مبادله مشروع؛ مبادله ای است که شخص فروشنده از آن سود عادلانه ببرد و قیمتی عادلانه است که دارای سود عادلانه باشد و سودی عادلانه است که برای زندگی متعادل نیاز باشد. ارزش یک کالا فقط از نظر کار بکار رفته در آن کالا ایجاد می شود و پول دارای ارزش اسمی است اما سایر سایر کالاها دارای ارزش ذاتی است.

○ فلسفه اومانیزم توجه خاصی به بشر داشت و بشر محور زندگی بود.



به مرور فلسفه روشنگری در اروپا شکل می گیرد. فلسفه روشنگری : تفکیک عقل از ایمان و عقل باید از کلیسا جدا باشد. نظام استبدادی جای خود را به پادشاهی می دهد و در دوره رنسانس نهضت پروتستان شکل می گیرد.

رنسانس

(رنسانس از سال ۱۴۵۳ میلادی شروع و تا آخر قرن

۱۷ ادامه یافت.)

- ۱. رنسانس از جنبه اقتصادی:
○ در این دوران وضع اقتصادی مردم بهتر شد و شهرهای بزرگ ایجاد شد و وسائل حمل و نقل رونق یافت
- ۲. رنسانس از جنبه اجتماعی و فلسفی:
. فلسفه روشنگری : تفکیک عقل از ایمان و عقل باید از کلیسا جدا باشد. نظام استبدادی جای خود را به پادشاهی می دهد و در دوره رنسانس نهضت پروتستان شکل می گیرد.
- ۳- رنسانس از جنبه سیاسی: در این دوران اختلافات مذهبی بین کاتولیک ها و پروتستان ها منجر به ایجاد یک حکومت پادشاهی مشروطه شد.

نظریات مکتب پروتستان

○ ۱. منع رابطه خالق و مخلوق ۲. کوشش برای بهبود معاش یا تبلیغ برای رسالت کار ۳. دخالت عقل در ایمان

○ ماکس وبر: در جوامعی که دین پروتستان وجود داشت پیشرفته تر از جوامعی است که ادیان دیگر دارند.

○ انتقادات بر نظر ماکس وبر:

○ ۱. یک روانشناس به نام مک لاند معتقد است: سه عامل باعث ایجاد خلاقیت در فرد می شود: ۱. نیاز به سازندگی ۲. نیاز برای قدرت ۳. نیاز عاطفی. در اروپا نیاز اول در مدارس به دانش آموزان آموخته می شود اما در جهان سوم نیاز عاطفی به افراد آموخته می شود.

○ ۲. یک جامعه شناس به نام ماکسیم رودنسون بر روی اسلام مطالعه کرده و علل عقب ماندگی مسلمانان را عدم توجه به اصول اسلامی به صورت عملی دانسته است.

○ اسلام (۶۰۰ میلادی)

○ اندیشه های اجتماعی و اقتصادی فارابی (۳۳۹-۲۵۹ ق)

○ ابو نصر محمد فارابی موسس فلسفه اسلامی است و کتابی به نام اهل مدینه فاضله دارد. در این کتاب مطرح می کند که سعادت انسان دارای دو بعد است: ۱. بعد اقتصادی ۲. بعد کمالی و نفسانی. در بعد اقتصادی به مسائلی در ارتباط با کالاها و خدمات و مرغوبیت کالا می پردازد. در این رابطه، هرچه میزان تخصص در جامعه بیشتر شود، سعادت آن جامعه بیشتر خواهد بود.

○ و در بعد کمالی به رابطه بین اقتصاد و اخلاقیات توجه دارد. وی معتقد است که کمالات انسانی مقدم بر زندگی مادی است.

○ انسان دو نیاز دارد: ۱. نیازهای تن (مانند: خوراک، پوشاک، مسکن) ۲. نیازهای کمال انسانی (مانند: نیاز به دانش، حقیقت زندگی، عبادت)

○ نیاز به فضیلت مقدم بر نیازهای تن (مادی) است.

اندیشه های اجتماعی و اقتصادی ابن خلدون (۱۴۰۲-۱۳۳۲)

(میلادی)

- ابوزید عبد الرحمان بن محمد بن خلدون در سال ۱۳۳۲ میلادی در تونس به دنیا آمد و در قاهره در گذشت. کتاب معروف وی العبر است که در هفت جلد می باشد و مقدمه آن به نام مقدمه ابن خلدون است. این متفکر بزرگ اسلام پیشتاز علم تاریخ و جامعه شناسی تاریخی بود. ابن خلدون: نظریه ای به نام **فراز و نشیب تمدن ها** دارد. تاریخ تمدن به ۴ مرحله تقسیم می کند: ۱. صحرا نشینی و شهر نشینی ۲. تشکیل بازار ۳. عمران اقتصادی ۲. عاقبت عمران اقتصادی
- ۱- در مرحله صحرائنشینی زندگی بر اساس زندگی کشاورزی است. در زندگی شهر نشینی، مردم، پس از رفع نیازهای ضروری به سمت مصرف کالاهای لوکس میروند.
- ۲- تشکل بازار با توجه به اهمیت کالا و سود می باشد.
- ۳- در مرحله سوم: جمعیت افزایش می یابد و قیمت کالاهای ضروری کاهش اما قیمت کالاهای لوکس افزایش می یابد.
- ۴- در مرحله چهارم: با افزایش رفاه اقتصادی یگ گروه خاص و اقلیت، فساد اخلاقی بین آنها رواج می یابد و در نتیجه انقلاب، گروه دیگری جایگزین آن می شود.



○ عقاید اقتصادی ابن خلدون:

○ ۱- ابن خلدون طرفدار دخالت دولت در اقتصاد است.

○ ۲- وی معتقد است که دولت باید مسئولیت تولید کالاهای عمومی را بر عهده بگیرد، زیرا تولید آنها با قیمت ازران برای بخش خصوصی مقرون به صرفه نیست.

○ ۳- وی معتقد است: ارزش اقتصادی کالا معادل کار متبلور شده در آن است.

○ ۴- ابن خلدون به تقسیم کار و نقش آن در تولید اعتقاد داشت.

○ ۴- وی معتقد بود که: کالاهای ضروری (مانند: گندم، باقلا، پیاز و غیره) دچار تورم نمی شوند، اما کالاهای لوکس و تجملی دچار تورم می شوند.

○ ۵- ابن خلدون به اثر ضریب فزاینده آشنا بود.



فصل چهارم

مکتب

سوداگری



مبانی نظری مکتب سوداگری (در قرن ۱۵ و ۱۶)

○ نظرات سوداگران

- ۱. طلا و نقره به عنوان منابع ثروت اقتصادی
- ۲. سیاست موازنه ی بازرگانی: هر کشور باید از سیاست بازرگانی مثبت طرفداری کند چون منجر به انباشت طلا و نقره می شود
- ۳. سیاست گمرکی و تحصیل ثروت: اگر کشوری قادر به تولید مواد خام نیست باید با حذف حقوق گمرکی این مواد را وارد کند.
- ۴. تجزیه و تحلیل پولی (بین عرضه پول و تولیدات رابطه هست)
- ۵. نیروهای کار مولد و غیر مولد و سیاستهای حقیقی
- ۶. حکومت مرکزی و بازرگانی داخلی و خارجی

۴. تجزیه و تحلیل پولی (بین عرضه پول (M) و تولیدات (Y) رابطه هست)



۵. نیروهای کار مولد و غیر مولد

۶. حکومت مرکزی و بازرگانی داخلی و خارجی

انواع نیروی کار:

- ۱. مولد: نیروهای که کالاهای تولیدی ملموس تولید می کنند (مانند: کشاورزان، صنعتگران، بازرگانان) و آن را صادر کنند. ۲. غیر مولد: نیروهای که کالاهای خدماتی تولید می کنند (مانند: اطباء، هنرمندان، وکلای دعاوی و خرده فروشان).

نظریات سوداگران در عمل

- ۱. کشور پرتغال و اسپانیا: در این کشورها سوداگری فلزی رونق داشت و پرتغال اولین کشوری بود که به معادن طلا و نقره آمریکا دسترسی پیدا کرد

۲. کشور فرانسه: در این کشورها سوداگریاز طریق تولید محصولات کشاورزی و صنعتی رایج بود

کمبر معتقد بود که باید از طریق قوانین گمرکی و مقررات دولتی؛ صنایع داخلی را حمایت کرد

○ ۳. کشور هلند و انگلستان: سیاستهای سوداگری به شکل تجارت فلزات گرانبها انجام شد که برای این کار از نیروی دریایی استفاده کردند

○ ارزشیابی و انتقادات عقاید سوداگران:

○ ۱. **ماهیت ثروت:** منشا ثروت و قدرت یک کشور؛ باید تولیدات حقیقی باشد نه فلزات گران بها

○ ۲. **سیاست بازرگانی:** این سیاستها در عمل کاملا یک طرفه است به طوری که اجرای سیاست تراز بازرگانی مثبت در یک کشور لاجرم به زیان کشور دیگر خواهد بود.

○ ۳. **دخالت دولت:** دخالت شدید دولت در اقتصاد انتقاد دیگری است

○ ۴. **متغیرهای پولی محض:** سوداگران تجزیه و تحلیل خود را همواره بر حسب متغیرهای پولی محض ابراز می داشتند اما این متغیرها با متغیرهای واقعی در ارتباط بودند که آنها قادر به تشخیص آن نبودند.

توجه: آنچه سوداگران درک نکردند این بود که دلیل آنکه افزایش عرضه پول با کاهش نرخ بهره روبرو بود صرفاً به علت افزایش ذخایر پولی نیست بلکه به علت افزایش درآمد واقعی است .

فصل پنجم

دوره ی انتقالی



اقتصاد در دوره انتقالی به لیبرالیسم کلاسیک

- **دوره انتقالی:** دوره ای است که جامعه ماهیت ایستای خود را به علت تغییر در نهادهای موجود از دست داده و برای یک نظام جدید آمده شده است. مکتب سوداگری از سال ۱۵۰۰ تا ۱۷۵۰ در اوج بود و بعد از آن رو به زوال گذاشت.
- **پیشنهاد های نظری دانشمندان در دوره انتقالی:**
- **۱. ماهیت ثروت:** آنچه که یک کشور را ثروتمند می کند کسب و کار تولیدی است نه تجارت طلا و نقره
- **۲. نظریه مقداری پول:** در اشتغال ناقص افزایش عرضه پول باعث افزایش تولیدات در جامعه می شود در حالی که در اشتغال کامل افزایش عرضه پول باعث تورم می شود
- **۳. نظریه ارزش کار:**
- **الف) ارزش ذاتی:** ارزشی که توسط کار انجام شده بوجود می آید؛ و آن غیر قابل تغییر است
- **ب) ارزش بازاری:** همان قیمت است که در شرایط عرضه و تقاضا به وجود می آید

○ در دوره انتقال دانشمندانی مانند: دیوید هیوم، ویلیام پتی، ریچارد کانتیلون، فرانسوا کنه ، دادلی نورث، جان لاک و تورگو عقایدی درباره قانون یا نظام طبیعی مطرح کردند.



فصل ششم

مکتب طبیعیون



مکتب فیزیوکراسی (طبیعیون ۱۷۷۶-۱۷۵۶)

○ مکتب فیزیوکراسی، بعد از مکتب مرکانتیلیسم و در قرن ۱۸ در فرانسه به وجود آمد. فیزیوکراسی به معنی **قدرت طبیعت** است.

○ فیزیوکراسی از دو دیدگاه قابل بررسی است:

○ ۱. **اول؛** فیزیوکراسی به معنی حکومت بر اساس **قانون طبیعی** است و تفکرات علمی بر اساس ان شکل می گیرد.

○ ۲. **دوم؛** فیزیوکراسی عکس العملی در مقابل مرکانتیلیسم و عقاید اقتصادی و اجتماعی فرانسه بود.

○ خدا بشر را آزاد آفرید و بشر نیز باید در طبیعت و امور اقتصادی آزاد باشد .



تجزیه و تحلیل مکتب فیزیوکراسی :

۱. تغییر در مبانی تفکر اقتصادی: فیزیوکرات ها اقتصاد را از دستورات مذهبی و سیاست جدا کردند و آن را یک علم تجربی می دانستند.

۲. اصول اقتصادی: فیزیوکرات ها زمین را منشاء ثروت می دانستند به تولیدات کشاورزی اهمیت می دادند و صنعت را زمانی مطلوب می دانستند که منجر به کاهش مازاد کشاورزی و رشد سرمایه گذاری در کشاورزی نشود.

۴- فرانسوا کنه معتقد بود: در جامعه سه طبقه مالک، زارع و صنعتگر وجود دارد. طبقه مولد، طبقه ای است که محصول ویژه تولید کند. محصول ویژه، محصولی بیشتر از احتیاجات معیشتی تولید کننده است و برای فروش به بازار عرضه می گردد. از نظر فیزیوکراتها، زارعین، معدنچیان و ماهی گیران، طبقه مولد، و مالکان، بازرگانان و صنعتگران، طبقه عقیم بودند، زیرا مازاد تولید ایجاد نمی کنند.



○ ۳. جدول اقتصادی کنه

○ فروض اصلی:

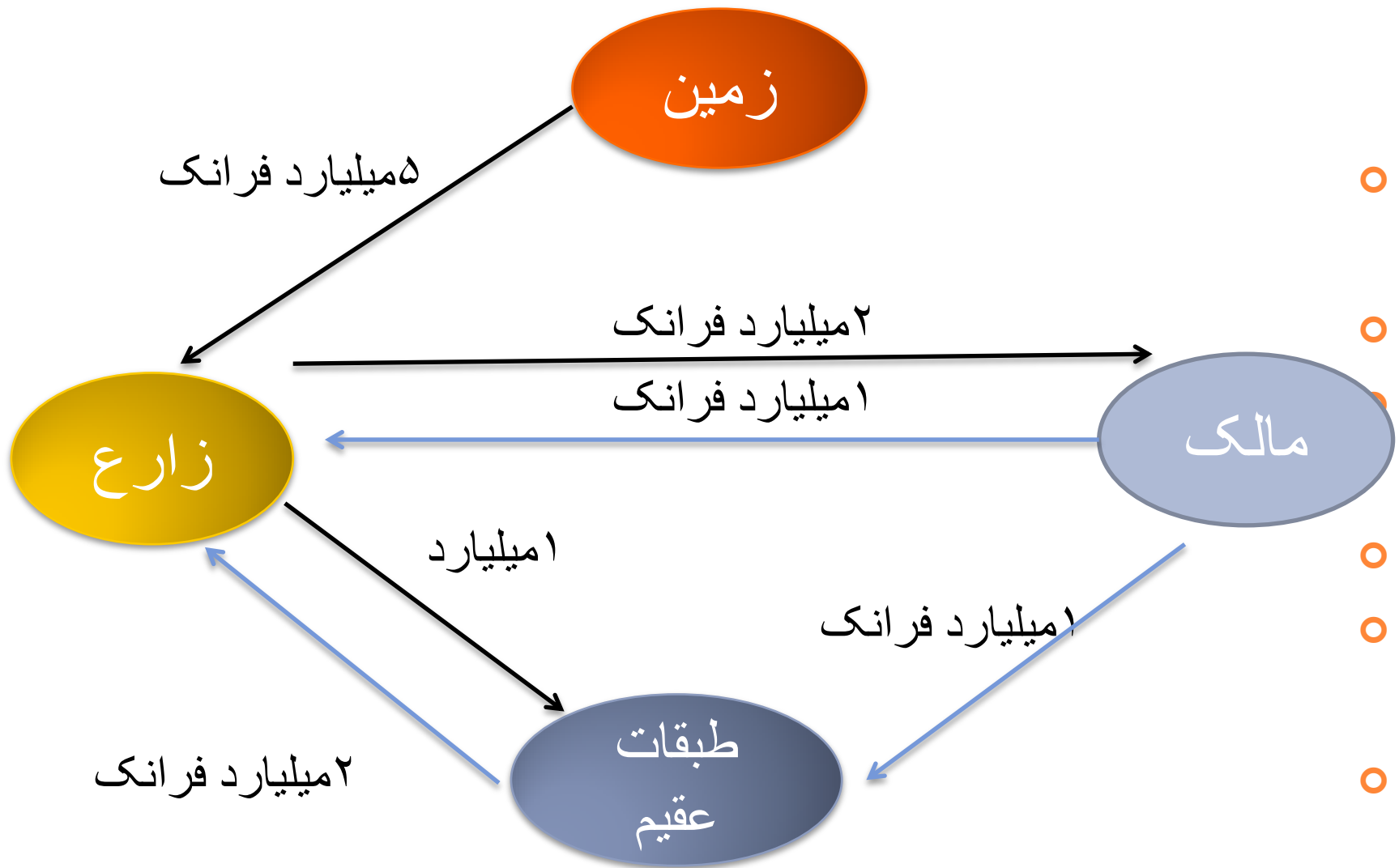
○ ۱. اقتصاد بسته و فاقد تجارت خارجی است.

○ ۲. آزادی مالکیت در زمین و دریافت اجاره وجود دارد.

○ ۳. گردش واقعی ثروت باید طوری باشد که هر سال مقدار پس انداز باقیمانده با هزینه استهلاک کالا سرمایه ای برابر باشد

○ ۴- اقتصاد کشاورزی است.





نمودار (۱-۶)

گردش پولی ثروت در جدول اقتصادی دکتر کتار



○ بنابراین، از پنج میلیارد فرانک محصول کل، ۲ میلیارد فرانک برای مصرف و سرمایه گذاری طبقه زارع از گردش پولی بیرون می رود و سه میلیارد فرانک دیگر به صورت درآمد خالص بین طبقات دیگر تقسیم می شود که دوباره به سرچشمه اصلی خود یعنی طبقه کشاورز برمی گردد. این جریان مانند جریان خون در بدن انسان همچنان ادامه دارد.

○ **توجه:** فیزیوکراتها اولین بار گردش پولی را مطرح کردند و الهام بخش تفکرات کلاسیک هایی همچون آدام اسمیت بودند.



○ پیشنهادات فیزیوکرات ها برای اصلاحات اقتصادی

○ **۱. رفورم مالیاتی:** آنها معتقد بودند که افراد مختلف نباید از پرداخت مالیات بر زمین معاف شوند و از طرفی باید یک نوع مالیات واحد گرفته شود، لذا تمامی مالکین چه اربابان و چه روحانیون و غیره نسبت به سهمی که از تولید محصول ویژه دارند باید مالیات بپردازند.

○ **۲. تنظیم صنعت کشاورزی:** فیزیوکرات ها پیشنهاد کردند که برای افزایش در میزان بازدهی تولید در کشاورزی و بنابراین محصول ویژه؛ ظرفیت های تولید باید توسعه یابد و بدین ترتیب با افزایش حجم سرمایه گذاری؛ شیوه های جدیدی برای افزایش تولید اجرا نمایند.

○ **۳. تجارت :** آنها با بازرگانی بین المللی که قیمت کالاهای کشاورزی را در سطح بالاتری تضمین می کند موافق بودند و آزادی کسب و کار و آزادی مبادله دو شعار سیاست تجاری داخلی و خارجی آنها بود.

○ **۴. نقش دولت:** تکلیف دولت قانون گذاری نیست بلکه قانون شناسی است و حکومت مطلوب فیزیوکرات ها؛ سلطنت موروثی مقتدر و مرکزی بود

○ فیزیوکرات ها معتقد بودند که حفظ نظام طبیعی ؛ برای دولت ها وظایف زیر را به وجود می آورد:

○ ۱. مبارزه با کلیه عناصری که به اصول مالکیت شخصی تعرض می کنند

○ ۲. آموزش و پرورش از مهم ترین وظایف دولت است

○ ۳. اجرای امور عام المنفعه و ایجاد راه ها و قنات ها به منظور بهره برداری از منابع کشور.

○ **ارزشیابی عقاید فیزیوکراتها:**

○ ۱- تجارت و صنعت عقیم تلقی می شد، اما به تدریج این تفکر اشتباه شناخته شد.

○ ۲- آنها به مازاد کالا توجه داشتند و این موضوع الهام بخش آدام اسمیت، ریکاردو و مارکس شد.

○ ۳- در جدول کنه، پول وسیله مبادله است و به مسئله تعیین ارزش فقط از جنبه ارزش استفاده توجه می شد و ارزش مبادله و در مباحث آنها، برتی تعیین ارزش و قیمت دیده نمی شود.

فصل ہفتم

مکتب کلاسیک



مکتب کلاسیک ها (علمای اقتصادی خوشبین)

○ مقدمه

○ مکتب کلاسیک ها از قرن ۱۸ همزمان با انتشار کتاب **پژوهشی درباره ماهیت و علل ثروت ملل** نوشته آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶ میلادی در انگلستان بنا نهاده شد. در همین زمان انقلاب صنعتی رخ داد و ماشین بخار اختراع شد. بتدریج در کشاورزی ماشین جایگزین نیروی کار افراد شد و کارگران برای پیدا کردن کار در کارخانه ها به شهر ها مهاجرت نمودند.

○ اصول اقتصادی مکتب کلاسیک:

- (۱) استفاده از روش اقتصاد کلی و روش اقتصاد کلان
- (۲) **طبقه بندی کلاسیک ها به خوشبین (اسمیت، ژان باتیست سه و باستیا) و بدبین (مالتوس، ریکاردو و جان استوارت میل)**



- (۳) **سیستم آزادی طبیعی** : اصالت فرد همراه با گردش طبیعی اقتصاد منجر به رفاه و خوشبختی جامعه می شود (آدام اسمیت: هر گونه کوششی که یک فرد برای منافع شخصی بعمل می آورد، منافع جامعه را به حداکثر خواهد رساند)
- (۴) **مخالفت با سوداگری**: سوداگران معتقد بودند: خواسته های خود پرستانه افراد، اگر کنترل نشود، منجر به کاهش ثروت ملی می گردد، اما اسمیت این نظریه را قبول نداشت و معتقد بود که نفع شخصی و تعقیب آن در یک جامعه منجر به رشد اقتصادی آن جامعه می گردد.
- (۵) **مخالفت با انحصارات**: اسمیت معتقد بود که انحصارات در شرایط رقابت کامل نابود می گردد.
- (۶) **عدم مداخله دولت در اقتصاد**: اسمیت معتقد بود که - دست نامرئی منجر به تعادل در بازار می شود و نیازی به دخالت دولت نیست.
- (۷) **اقتصاد در شرایط اشتغال کامل است**



○ عوامل مؤثر بر عقاید اسمیت

۱. مکتب فیزیو کراسی مبنی بر آزادی طبیعی، الهام بخش اصلی مطالعات اسمیت بود

○ ۲. نظرات فرانسیس هوچسن (استاد اخلاق آدام اسمیت) (دست راهنمای هوچسن که ناشی از دخالت الهی بود)

○ هوچسن معتقد بود که افراد با داشتن عقل سلیم بدون آنکه قصدی داشته باشند، تصمیماتی اتخاذ می کنند که از نظر اخلاقی مناسب است و آن نتایج مطلوبی برای اجتماع دارد. این تصمیمات غریزی از طریق دخالت الهی که همان دست راهنما در امور انسانی است، بدست می آید. اما اسمیت معتقد بود: دست نامرئی پدیده الهی نیست، بلکه در نتیجه رقابت بدست می آید.

○ ۳. دانشمند دیگری که بر عقاید اسمیت مؤثر بود؛ هیوم نام داشت که نام کتاب وی تئوری احساسات اخلاقی بود. در زمینه پول، تجارت خارجی و نرخ بهره بین عقاید اسمیت و هیوم شباهتهایی وجود دارد.



- عقاید ماندوویل که معتقد بود زندگی اجتماعی براساس منافع شخصی استوار است. نام کتاب وی کندوی پر گلاشه یا ارذل و اوباشی که به شرافت و صداقت گرائیده اند، است. وی در این کتاب نفع پرستی را وارد اقتصاد کرد و معتقد است که اقتصاد از سیاست جدا می باشد.
- اسمیت بر خلاف مندوویل که نفع پرستی را معادل خود پرستی و خود خواهی می داند، معتقد است که نفع پرستی غریزه الهی و طبیعی برای تنازع بقاء و نیل به خواسته های شخصی است.



○ نظرات اسمیت در کتاب ثروت ملل

- ۱. اقتصاد همانند یک کارخانه بزرگ تلقی می شود که پایه آن تقسیم کار است
- ۲. تمام پدیده هایی که منجر به افزایش ثروت جامعه می شود ناشی از آزادی بشر در تعقیب منافع مادی است.
- ۳. سیاست اقتصادی نباید به علائق اشخاص و یا یک طبقه مخصوص بستگی داشته باشد، بلکه باید منافع کل جامعه را در نظر بگیرد.



نظریه تولید:

○ الف) ماهیت و منابع ثروت: منبع ثروت نیروی کار است

○ ب) تقسیم کار و فواید و معایب آن:

○ فواید تقسیم کار منجر به افزایش تولید می شود، زیرا: ۱- افزایش مهارت ۲-

ایجاد ابداعات و اختراعات ۳- صرفه جویی در اتلاف وقت ۴- حداکثر

استفاده از نیروی کار

○ معایب تقسیم کار: رکود فکری برای کارگران

○ اسمیت معتقد است: تقسیم کار در نتیجه دو عامل بدست می آید:

○ ۱. نهاد طبیعی: تقسیم کار در نتیجه تمایل ذاتی بشر به مبادله است.

○ ۲. نهاد نهادی: در نتیجه تخصص افراد برای کارهای مختلف رخ میدهد.

○ تقسیم کار به وسعت بازار یا تقاضا وابسته است



○ : ج) انواع نیروی کار

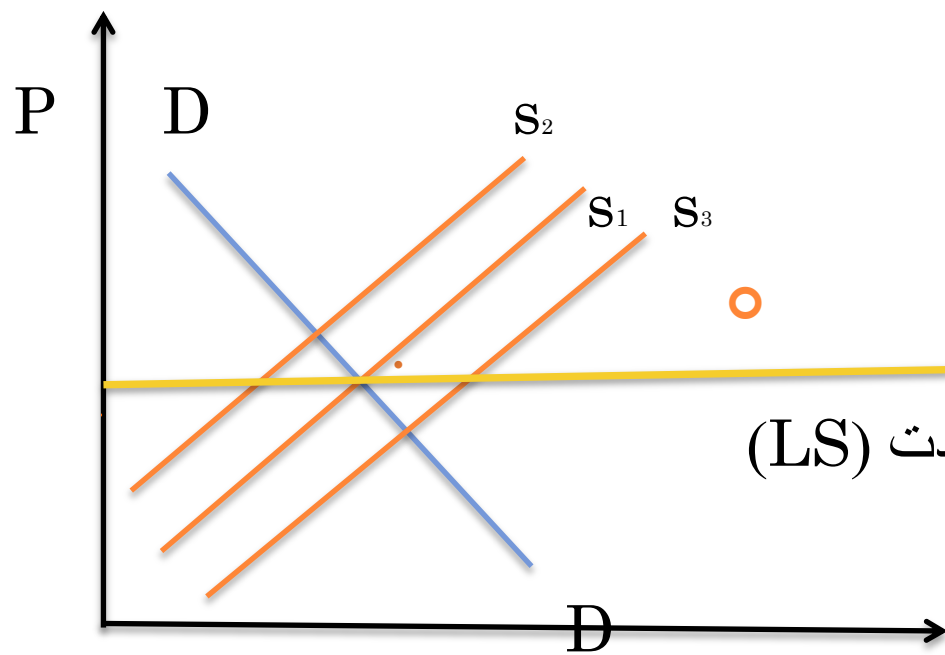
- ۱. مولد ۲. غیر مولد
- نیرو کار مولد : نیروی است که کالاهای قابل لمس تولید می کند و به ارزش خالص بیافزاید.
- خدمات از نظر اسمیت ، غیر مولد است
- د) اهمیت بیشتر به کشاورزی تا صنعت
- اسمیت معتقد است که یک ملت ، ابتدا باید به کشاورزی اهمیت بدهد و صنعت در درجه دوم اهمیت است.



○ نظریه ارزش مبادله اسمیت:

- ۱. ارزش استفاده (استعمال) در مقابل ارزش مبادله: کالایی که ارزش استفاده زیاد دارد از دید گاه مبادله ارزش کمتری دارد. اسمیت در بیان ارزش مبادله به مطلوبیت توجه نداشت
- ۲- معمای آب و الماس: چرا ارزش آب از الماس کمتر است؟
- اسمیت علت آنرا کمیابی الماس می دانست. اما نئو کلاسیکها با مقایسه واحد های انفرادی ، تناقض آب و الماس را حل کردند.
- ۳. کار و ارزش: در اقتصاد نارس **کار عامل اصلی ارزش مبادله** است اما در اقتصاد کامل ؛ **کار و سرمایه و زمین** نقش دارند
- ۴. نحوه تعیین قیمت کالا در بازار: اگر به دلایلی عرضه کم شود قیمت کالا بالا می رود و مقدار محصول کاهش می یابد و سود زیاد می شود

○ کمیابی عوامل تولید در کوتاه مدت از طریق عرضه و تقاضا؛ قیمت را تعیین میکند، اما در بلند مدت منحنی عرضه بلند مدت عامل تعیین کننده قیمت است و عرضه بلند مدت افقی است. کلاسیک ها طرفدار افزایش عرضه بودند اما کنیز طرفدار افزایش عرضه بود



Q

نظریه توزیع ثروت اسمیت

توزیع ثروت برای ۳ گروه طبقاتی در جامعه است:

۱. کارگران که به آنها دستمزد تعلق می گیرد

۲. صاحبان سرمایه که به آنها سود تعلق می گیرد

۳. مالکان که به آنها اجاره زمین تعلق می گیرد

مایه دستمزد: سهمی از درآمد ملی که به صورت دستمزد به طبقه کارگر تعلق می گیرد. (مایه دستمزد = تعداد نیروی کار × متوسط دستمزد نیروی کار)

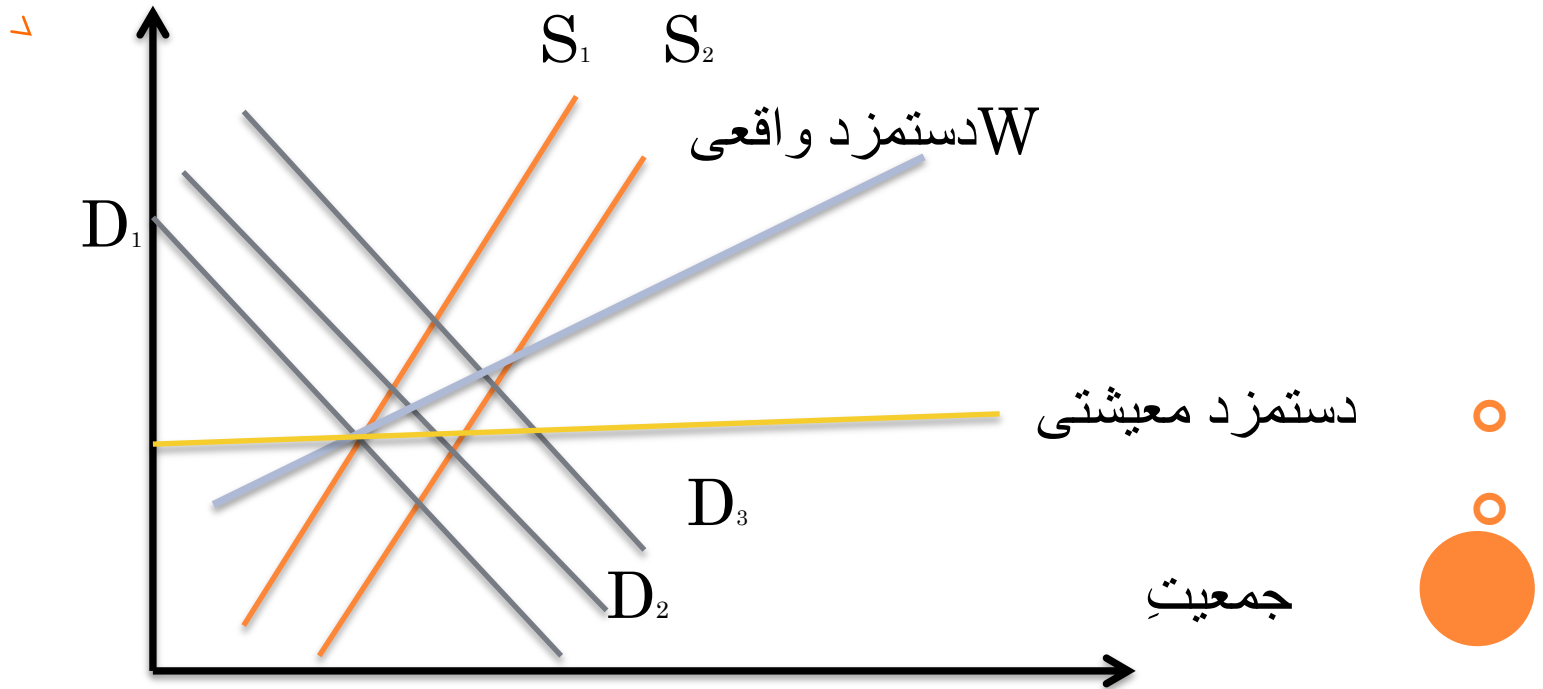
در ارتباط با دستمزد:

۱- افزایش تولید منجر به افزایش مایه دستمزد می شود و آن باعث افزایش تولید ملی می گردد.

۲- نرخ های بالای دستمزد باعث افزایش کارایی نیروی کار می شود و آن باعث افزایش سطح زندگی می گردد.



اسمیت معتقد است که در کوتاه مدت ، دستمزد تابع نوسانات عرضه و تقاضا است، اما در بلند مدت دستمزد بوسیله حداقل معیشت تعیین می گردد.



وظایف دولت در اقتصاد

اسمیت معتقد است: دولت باید برای وظایف زیر در اقتصاد دخالت کند:

۱. ایجاد شرایطی که از طریق آن دولت امنیت خارجی را تأمین می کند

۲. تاسیس و اداره سازمانهایی که امنیت داخلی را تأمین می کند

۳. تولید و توزیع کالا و خدمات عمومی (که تولید آنه برای بخش خصوصی مقرون به صرفه نیست)



توجه: فرآیند رشد و توسعه اقتصادی در سرمایه داری اسمیت؛ منظم و خود افزا است و شرایط لازمه انجام آن؛ رقابت آزاد و کسب و کار آزاد و دخالت نکردن دولت است

فرضیه های الگو:

۱. **تولید؛ تابع عوامل تولید است:** چون اسمیت خوشبین بود لذا تابع تولید وی با محدودیت بازده نزولی روبه رو نبود

۲. **سرمایه گذاری تابع سود است:** پس انداز کنندگان و سرمایه گذاران یکی هستند و هدف آنها سود است

۳. **تراکم سرمایه موجب پیشرفت فنی می شود:**

۴. **سود به عرضه نیروی کار و سطح تکنیک بستگی دارد:** هرگاه مقدار عرضه نیروی کار افزایش یابد میزان تولید واقعی با توجه به تابع تولید افزایش یافته و در نتیجه درآمد افراد و سود حاصله افزایش می یابد.

۵. **تعداد کارگران فعال به میزان مایه دستمزد بستگی دارد:** اسمیت معتقد است که رشد جمعیت بستگی به میزان دستمزد دارد، پس اگر مایه دستمزد افزایش یابد و میزان دستمزد واقعی از سطح معیشت بیشتر باشد جمعیت و نیروی فعال رشد می کند.

۶. مایه دستمزد به حجم سرمایه گذاری بستگی دارد: با افزایش سرمایه گذاری؛ تقاضا برای نیروی کار نیز بالا می رود و با فرض ثابت بودن عرضه نیروی کار؛ دستمزد پولی و مایه دستمزد افزایش می یابد.

نظریه رشد و توسعه اقتصادی اسمیت:

تقسیم کار و تخصص منجر به افزایش تولید می گردد و آن باعث افزایش درآمد واقعی می گردد و آن باعث افزایش سود می شود و آن باعث افزایش پس انداز می شود و آن باعث افزایش سرمایه گذاری می شود و آن باعث افزایش تکنولوژی تولید می گردد و آن باعث کاهش هزینه تولید می شود و آن باعث افزایش سود می شود و آن باعث افزایش سرمایه گذاری می شود و...



عقاید ژان باتیست سه (SAY)

- از جمله اقتصاددانان خوشبین است که کتاب خود را به نام رساله **اقتصاد سیاسی** در سال ۱۸۰۳ میلادی منتشر کرد.
- **قانون سی یا بازارها: عرضه؛ تقاضای خود را در بازار ایجاد می کند.** (کینز آن را رد می کند و می گوید تقاضا: عرضه ی خود را ایجاد می کند).

تقاضای پول دو نوع است:

۱. معاملاتی

۲. احتیاطی

منبع ثروت: سه اعتقاد داشت که ثروت جامعه از تولید منشاء می گیرد نه ثروت.



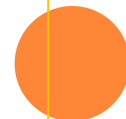
بازار کار: تحلیل کلاسیک ها بر مبنای **قیمت حقیقی** است اما کینز معتقد است: ک
عرضه نیروی کار براساس دستمزد اسمی است.
از نظر کلاسیکها، در بازار کار:

$$S=f(w/p) >0 \quad D=f(w/p) <0$$

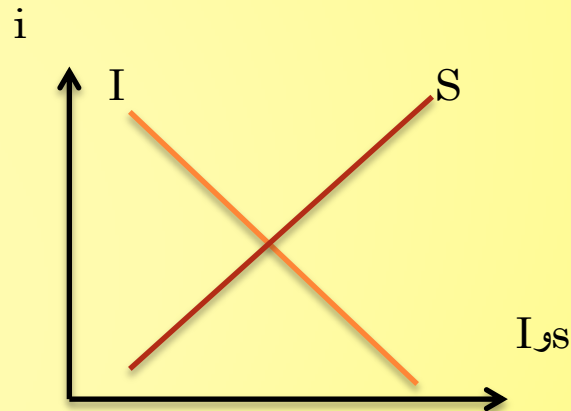
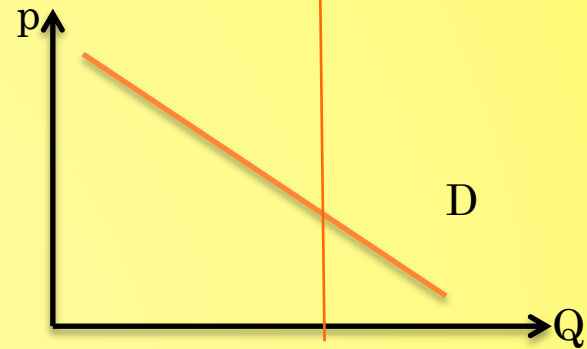
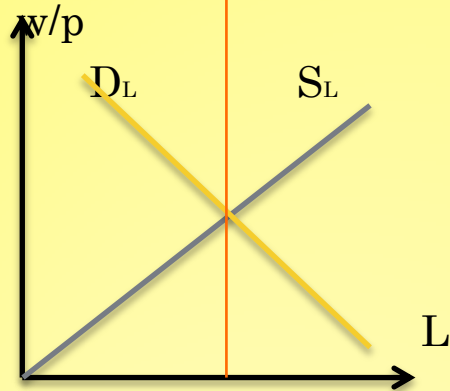
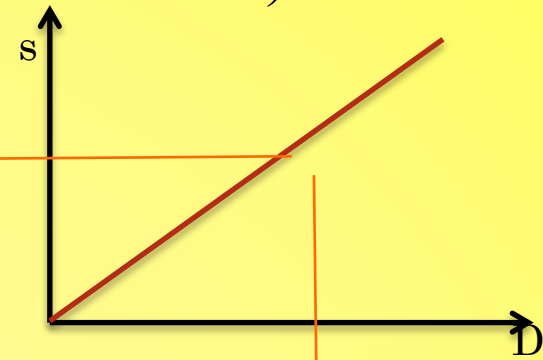
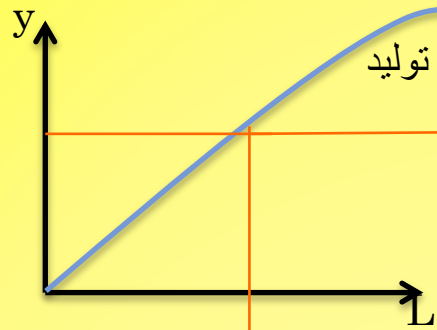
بازار پس انداز و سرمایه گذاری: کلاسیک ها می گویند که پس انداز تابع مستقیم نرخ بهره است اما
سرمایه گذاری تابع معکوس از نرخ بهره است اما کینز معتقد است که پس انداز تابعی
درآمد ملی است.

$$S=f(i) >0$$

$$I=f(i) <0$$



الگوی اقتصادی سه (تعادل اقتصادی در اشتغال کامل)



$S=D$

b